

در آغاز گفت و گو تقاضا دارم خودتان را معرفی کنید؟

من دکتر ابتهاج محمد نوه عزالدین القسام هستم و در سال ۱۹۷۱ میلادی در جبله در شمال سوریه متولد شده‌ام. جبله زادگاه پدر بزرگم شیخ عزالدین القسام می‌باشد. مادرم فلسطینی است و فردوس نام دارد. پدرم محمد تنها فرزند پسر شیخ شهید بوده که به دلیل عشقی که به فلسطین داشت، تابعیت فلسطینی خود را همچنان حفظ کرده بود. پس از اعلام موجودیت کیان غاصب در سال ۱۹۴۸ خانواده پدر بزرگم به جبله بازگشتند. محمد عزالدین تنها فرزند پسر القسام در جبله ازدواج کرد و در سال ۱۹۹۲ درگذشت. مادرم همچنان در منزل خانوادگی در جبله زندگی می‌کند. خانواده‌ام چهار فرزند پسر به نام‌های عزالدین، احمد طاهر، عبد الصمد، عبد المنعم و سه فرزند دختر به نام‌های ایمان، ابتهاج و امجاد دارد.

تحصیلات دبیرستانی را در رشته ریاضی در سوریه سپری کردم هنگامی که خانواده‌ام به لیبی انتقال یافتند در یکی از دانشگاه‌های آن کشور در رشته آزمایشگاهی تحصیل کردم و آنجا با دکتر کفاح کسار لبنانی و متخصص بیماری‌های تنفسی ازدواج کردم و در حال یک فرزند پسر پنج ساله به نام عبد الرحمن دارم.

افزون بر اشتغال در بیمارستان شهر بنین آیا فعالیت‌های دیگری هم دارید؟

از دوران نوجوانی به مقاله نویسی و خطابه علاقه دارم. گاهی درباره فلسطین شعر می‌نویسم و می‌سرایم. خدا را سپاس می‌گویم که در ادبیات عرب قوی هستم و آن را از پدر و پدر بزرگم به ارث برده‌ام. شهید شیخ عزالدین القسام زبان گویا و قلم زیبا داشت. علاوه بر مدیریت

افتخار می‌کنم که خون شهید شیخ عزالدین القسام در رگ‌های من جریان دارد. ولی این دلیل نمی‌شود که به خاطر نوه القسام بودن خداوند مرا دوست داشته باشد. وابستگی به شهدا و بزرگان هرگز ملاک خوب بودن نیست. اگر نوه القسام باشم و مرتکب گناه شوم چه تفاوتی با دیگران دارم؟ با وجودی که نوه القسام هستم، ولی گاهی احساس شرم می‌کنم که چرا صداقت و خلوص نیت پدر بزرگم را ندارم.

بخش آزمایشگاه بیمارستان بنین با برخی سازمان‌های مقاومت فلسطین از جمله جنبش حماس که در شمال لبنان حضور دارند همکاری می‌کنیم. به گردان‌های نظامی این جنبش که نام عزالدین القسام را بر خود نهاده‌اند احترام قائلم. همچنین با کمیته همیاری مسجد الاقصی همکاری فرهنگی و اجتماعی دارم و برای رزمندگان مقاومت کمک‌های مالی جمع‌آوری می‌کنم. آیا پدر بزرگم نوادگان دیگر هم دارد و کجا زندگی می‌کنند؟

افزون بر خود و برادران و خواهرانم سه عمه هم به نام‌های عائشه و خدیجه و میمنه دارم که هر کدامشان چند فرزند دارند و در کشورهای گوناگون زندگی می‌کنند.

از ویژگی‌های شیخ شهید چه خاطراتی دارید؟

زمانی که پدر بزرگم شیخ عزالدین القسام به شهادت رسید، پدرم محمد ۱۰ سال سن داشت. من در آن زمان هنوز متولد نشده بودم. ولی پدر و مادر بزرگ همواره جزئیات زندگی سراسر جهاد خستگی ناپذیر پدر بزرگ را بازگو می‌کردند. مادر بزرگ نقل می‌کرد که شیخ شهید مرد عمل بود. او پس از بازگشت از دانشگاه الأزهر می‌کوشید آموخته‌هایش را عملی کند. به همین دلیل در روستای جبله که اکنون به شهری بزرگ تبدیل شده مدرسه آموزش قرآن و آموزش زبان عربی دایر کرد. با وجودی که انسانی آرام و فروتن بود ولی در بیان حق از کسی باکی نداشت و با متانت سخن می‌گفت.

نقل کرده‌اند هنگام تحصیل در قاهره حلوی سستی تولید می‌کرد و مانند فروشندگان دوره گرد می‌فروخت تا هزینه زندگی در دوران تحصیل را تأمین کند. از عرضه کالایش به مشتریان شرمگین نبود. در حالی که دوست و همکلاسی او عزالدین التونخی خجالت می‌کشید و خود را پنهان می‌کرد. پدر بزرگم به او می‌گفت که باید افتخار کنی که با این شغل به سوی کسی دست دراز نمی‌کنی! هنگامی که پدر عزالدین التونخی به قاهره سفر کرد تا از اوضاع تحصیلی فرزندش با خبر شود، و هنگامی که اطلاع یافت که هر دو حلوی سستی می‌فروشد به فرزندش گفت که عزالدین القسام روش زندگی را به تو آموخته است.

پدرم نقل کرده که شیخ شهید همواره دستورات رسول اکرم (ص) را که فرموده «در همه حال پنهان کاری را رعایت کنید» عمل می‌کرد. به همین دلیل در زمان آماده سازی برای مبارزه با دشمن پنهان کاری را با دقت رعایت

رزمندگان مقاومت، فرزندان واقعی القسام هستند...

■ نگاهی به زندگی بازماندگان شیخ شهید در گفت و گوی اختصاصی شاهد باران

با دکتر ابتهاج محمد نوه شهید عزالدین القسام

خانم دکتر ابتهاج محمد القسام نوه شهید شیخ عزالدین القسام در شهر بنین از توابع شهرستان عکار در شمال لبنان زندگی می‌کند. او می‌گوید همانگونه که پدر بزرگم برای مبارزه با استعمارگران انگلیسی و فرانسوی سرزمین‌های خاورمیانه را در نور دیده. من نیز فلسطین و سوریه و لبنان را دوست دارم. ابتهاج القسام در رشته علوم آزمایشگاهی از یکی از دانشگاه‌های لیبی فارغ التحصیل شده و در حال حاضر در کنار همسرش دکتر کفاح کسار در لبنان زندگی می‌کند و هر چند مدت یکبار به جبله زادگاه پدر بزرگم می‌رود تا بستگان و بازماندگان پدر بزرگم را زیارت کند. خبرنگار شاهد باران این گفت و گور را به علاقمندان شهید القسام تقدیم می‌دارد.

درآمد





به قضیه فلسطین که پدر بزرگتان در راه آزادی آن به شهادت رسید چه دیدگاهی دارید؟

شکی نیست که قضیه فلسطین یکی از آرمان‌های مقدس مسلمانان جهان است و هر مسلمانی مسئولیت دارد بر حسب امکانات و توانمندی‌های خود در راه آزادی آن تلاش کند. مسلمانانی که در شرایط عادی و طبیعی و در امنیت زندگی می‌کنند

سزاوار است اینگونه فکر کنند که آرمان فلسطین تنها به مردم فلسطین محدود نمی‌باشد و به همه جهان اسلام تعلق دارد. گوشه گیری و دعا کردن برای ملت فلسطین کفایت نمی‌کند. ساده ترین همدردی و همبستگی با آرمان فلسطین تحریم کالاهای آمریکایی است. من هرگز میان آمریکا و اسرائیل تفاوت قائل نیستم. اصولاً کبابی به نام اسرائیل را بر رسمیت نمی‌شناسم. اکنون برخی افراد ساده لوح می‌گویند تحریم کالاهای ساخت آمریکا چه سودی برای مردم فلسطین دارد؟ من به آنان می‌گویم اگر همه ملت‌های عرب و مسلمان کالاهای آمریکایی را تحریم کنند، این اقدام آسیب جدی به اقتصاد آن کشور وارد می‌آورد. برخی افراد حتی از نیایش برای مردم فلسطین دریغ می‌ورزند.

آیا امیدی به آزادی فلسطین و بازگشت به این سرزمین را دارید؟

تردیدی ندارم که فلسطین روزی آزاد می‌شود. شاید در زمان حیات ما آزاد نشود و نسل‌های آینده آن را آزاد کنند. ولی من به عنوان یک مادر و یک خواهر و یک همسر وظیفه دارم به مسئولیت خویش عمل نمایم. وظیفه دارم عشق فلسطین را در دل فرزندان و برادران و همسرم زنده نگه دارم. درد و رنج میلیون‌ها آواره فلسطینی را برای آنان بازگو کنم. هنوز برادرم احمد ظاهر در فلسطین زندگی می‌کند و نگران جان او هستم. مردمی که همچنان در نوار غزه و در کرانه باختری رود اردن در معرض شدیدترین اقدامات سرکوبگرانه دشمن صهیونیستی قرار دارند نباید نگران سرنوشت آنان بود؟ وظیفه داریم در هر محفل و مجلسی درد و رنج آنان را بازگو کنیم. مسلمانان را به پاسداری از ارزش‌های دینی دعوت نمایم. سزاوار است یک شهروند مسلمان حس نوعدوستی و همدردی با همکیشان خود داشته باشد. رسول اکرم (ص) در این باره فرموده است «کسی که به مشکلات مسلمانان بی توجه باشد مسلمان نیست». آیا در شرایط کنونی مشکلی مهمتر از قضیه فلسطین وجود دارد؟ البته در جهان اسلام مشکلات فراوانی وجود دارد. ولی خطرناکترین آنها قضیه فلسطین است.

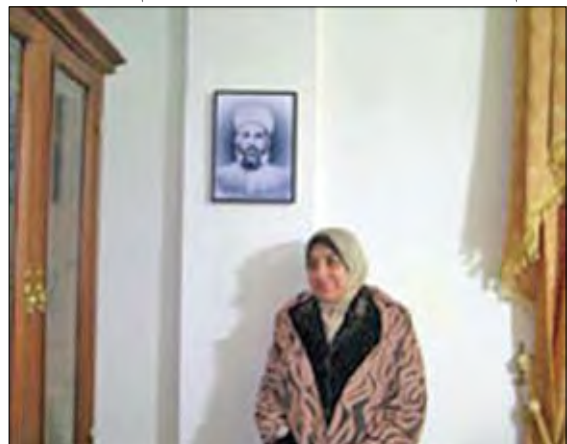
طبیعی است که هر فرد مسلمان در نتیجه شناختی که از خداوند متعال دارد او را دوست می‌دارد. بنابر این هرگاه مسلمانان از ابعاد و جزئیات فاجعه آمیز قضیه فلسطین شناخت پیدا کردند، عاشق قضیه فلسطین می‌شوند. زیرا عشق بدون شناخت امکان پذیر نمی‌باشد. گاهی دیده شده که افرادی

هرگاه جنگی در منطقه روی می‌دهد، برخی افراد افسوس می‌خورند که کاش مرزهای فلسطین باز می‌شد تا با اسرائیل بجنگند! این افراد خودشان را گول می‌زنند. با فلسطین مرز واقعی وجود ندارد. این افراد میان خودشان و خدای تبارک و تعالی مرز ایجاد کرده‌اند. اگر اعراب از شهوت رانی و دنیا پرستی فاصله بگیرند، آنگاه خداوند متعال وسیله پیروزی را فراهم می‌کند.

می‌کرد. هنگامی که به درجه شهادت نائل آمد بسیاری از مردم حیفا شگفت زده شده بودند که چگونه از چهره این روحانی انقلابی و امام جماعت توانای مسجد الاستقلال که از ۱۴ سال پیش خود را برای قیام همگانی آماده می‌کرد شناخت کافی نداشتند. او همواره در خطبه‌های نماز جمعه و سخنرانی در مراسم گوناگون استعمارگران انگلیسی را مسئول درد و رنج مردم فلسطین و واگذاری این سرزمین به یهودیان معرفی می‌کرد.

در سال ۱۹۲۹ شایع شد که یهودیان قصد دارند مسجد الاستقلال را آتش زنند. برخی از شخصیت‌های شهر حیفا به شیخ پیشنهاد کردند که برای جلوگیری از آتش زدن مسجد از انگلیسی‌ها تقاضای کمک نمایند. ولی القسام این پیشنهاد را به شدت رد کرد و اظهار داشت که ما مسلمانان با جان و مال خود از مساجد خویش دفاع می‌کنیم. او بر خلاف سایر نخبگان و شخصیت‌های سیاسی فلسطین هرگونه مذاکره با انگلیسی‌ها را جایز نمی‌دانست و این جمله را تکرار می‌کرد «هر کسی آزموده‌ای را بیاماید خائن است» برخی اعراب با انگلیسی‌ها بر ضد دولت عثمانی همکاری کردند. ولی انگلیسی‌ها به وعده‌های خود وفا نکردند.

نوه القسام بودن چه احساسی در شما ایجاد می‌کند؟
افتخار می‌کنم که خون شهید عزالدین القسام در رگ‌های من جریان دارد. ولی این دلیل نمی‌شود که به خاطر نوه القسام بودن خداوند مرا دوست داشته باشد و پس از مرگ وارد بهشت شوم. وابستگی به شهدا و بزرگان هرگز ملاک خوب و بد بودن نیست. اگر نوه القسام باشم و مرتکب گناه شوم چه تفاوتی با دیگران دارم؟ با وجودی که نوه القسام هستم، ولی گاهی احساس شرم می‌کنم که صداقت و خلوص نیت پدر بزرگ را ندارم.



از فلسطینی‌ها نفرت دارند. وقتی علت این نفرت را از آن‌ها جویا می‌شوم می‌گویند که فلسطین‌ها از سرزمین خود چشم پوشی کردند! مادرم یکی از کسانی بود که از فلسطین کوچ کرد. از او پرسیدم چرا کوچ کردید و مانند دیگران در سرزمین خود نماندید؟ مادرم سوگند یاد کرد که تصمیم داشته بود با همسر و فرزندان در فلسطین بماند. برای یکسال هم خوراک و آذوقه تدارک دیده بودند. ولی یهودیان به منظور اخراج فلسطینی‌ها از سرزمین‌شان شکم زنان باردار را پاره می‌کردند. به دختران نوجوان تجاوز می‌کردند. روستائیان را قتل عام می‌کردند. این اقدامات جنایتکارانه سبب شد میلیون‌ها فلسطینی از زادگاه خود فرار کنند.

در آن شرایط دولت‌ها یا ملت‌های عرب به شما کمک نکردند؟

هرگاه که قضیه فلسطین بحرانی می‌شود یا جنگی در منطقه روی می‌دهد، برخی افراد افسوس می‌خورند و اظهار می‌دارند که کاش مرزهای فلسطین باز می‌شد تا با اسرائیل بجنگند! این افراد خودشان را گول می‌زنند. با فلسطین مرزهای واقعی وجود ندارد. این افراد میان خودشان و خدای تبارک و تعالی مرز ایجاد کرده‌اند. شهوت و دنیا پرستی میان آن‌ها با فلسطین مرز ایجاد کرده است. اگر اعراب از شهوت رانی و دنیا پرستی فاصله بگیرند، آنگاه خداوند متعال وسیله پیروزی را فراهم می‌کند. بهانه قرار دادن دولت‌ها و نظام‌های حاکم کافی است. هرگاه مردم اصلاح شدند این حکومت‌ها هم اصلاح می‌شوند.

مگر این پادشاهان و سران فاسد دنیای عرب فرزندان جامعه‌شان نمی‌باشند؟ من بر این باورم که اگر مادران، شیر شجاعت و فداکاری را به فرزندان‌شان بنوشانند، و با دلسوزی و عشق به میهن آنان را تربیت کنند، بی‌ترید زمامدار فاسدی نخواهیم داشت.

من برای شهیدان اشک نمی‌ریزم... برای آنان احساس حزن و اندوه نمی‌کنم. زیرا جایگاه و مقام والایی نزد خداوند متعال دارند. برای بازماندگان شهید ابراز تأسف می‌کنم. برای افراد بی‌سرپرست و مستمندانی که به طور روزانه خانه‌شان بر سرشان خراب می‌شود زجر می‌کشم. اکنون هزاران تن از مردم غزه در این سرمای سوزان زیر خیمه زندگی می‌کنند.

ارزیابی‌تان از نقش رسانه‌های اطلاع رسانی در پشتیبانی از آرمان فلسطین چیست؟

شکی نیست که رسانه‌های اطلاع رسانی در دفاع از آرمان فلسطین و بیان جنایات رژیم صهیونیستی، مسئولیت سنگینی بر عهده دارند. ولی متأسفانه بسیاری از رسانه‌ها در حق مجاهدان فلسطینی کوتاهی می‌کنند. هنگامی که شخصیت‌های برجسته فلسطینی مانند شهید عبد العزیز

دختران خانواده‌های مؤمن و متعهد نیز قبل از ازدواج از مسائل و اصول دینی شناخت کافی ندارند. برخی جوامع نیز زنان مؤمن و متعهد را در محیط تحصیل و در محیط اشتغال تحقیر می‌کنند. لذا پدران و برادران و همسران آگاه و وظیفه دارند زنان و بانوان را به مسائل دینی آگاه نمایند و از آنان پشتیبانی به عمل آورند. البته همسران مسئولیت سنگینی بر عهده دارند. گاهی به ندرت دیده شده زنان مربی و مبلغ با همسرانی مربی و مبلغ ازدواج می‌کنند. و این به سود طرفین است.

شکی نیست که فرزندان و نوادگان واقعی شیخ شهید، بستگان نسبی او نیستند. فرزندان القسام جوانان سلحشوری هستند که راه او را دنبال می‌کنند. آرمان فلسطین و یاد قیام القسام به رغم گذشت ده‌ها سال همچنان زنده است. انقلاب القسام با شهادت او پایان نیافته است.

چه پیامی برای زن مسلمان دارید؟

حال که این پرسش را مطرح کرده‌اید، فرصت را مغتنم می‌شمارم تا زنان مسلمان را به بازگشت به سرچشمه زلال اسلام دعوت نمایم. تا زمانی که زن نسبت به مسائل دینی و اجتماعی نا آگاه باشد، در جامعه پیشرفت نخواهد کرد. زنان تحصیل کرده زیادی در جامعه وجود دارد، ولی متأسفانه نسبت به حقوق و وظایف خود شناخت ندارند. به زنان مسلمان توصیه می‌کنم که زنان صدر اسلام را الگوی خود قرار دهند. در صدر اسلام شیر زنان شجاع و فداکار زیادی وجود داشته که صحنه‌های حماسی باشکوهی برای امت آفرینند. زنان وقت خود را به تماشای برنامه‌های تلویزیونی پوچ و بی‌ارزش صرف نکنند.

دوست دارید تنها فرزندان چگونه باشند؟

علاقه‌مندم فرزندم عبد الرحمن رهرو راه جهاد و شهادت و عشق به فلسطین باشد. گاهی به او می‌گویم جز تو کسی فلسطین را آزاد نمی‌کند. شاید این سخن از روی مزاح بوده باشد. ولی به هر حال این سخن همیشه در ذهن او زنده می‌ماند و امکان دارد روزی به واقعیت تبدیل شود. زیرا تنها امید من آزادی فلسطین است.

سال گذشته جنگ وحشیانه‌ای بر غزه تحمیل شد. چه پیامی برای مردم غزه دارید؟

این اولین بار نیست که غزه مورد چنین حمله وحشیانه قرار می‌گیرد. غزه حدود چهار سال در اشغال صهیونیستها قرار داشت. چنانچه غزه دوباره مورد تهاجم نظامی دشمن واقع شود. رزمندگان مقاومت توانایی ایستادگی در برابر ماشین جنگی دشمن را دارند و من به پیروزی مجدد آنان بسیار امیدوارم. ولی بدانید که پیروزی به آسانی به دست نمی‌آید. کسب پیروزی مستلزم ایثار و فداکاری است. فلسطینی‌ها باید از گفت و گوهای سازش و قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد چشم‌پوشی کنند. نقش مسلسل و گلوله را زنده کنند. یکی از ابزارهای پیروزی وحدت کلمه و جنگ زدن به اصول ثابت ملی است. هرگاه فلسطینی‌ها اختلافاتشان را کنار گذاشتند، آنگاه پیروزی نزدیک می‌شود. ■

بزرگم شبی به خواب او آمده است. پدر بزرگ بسیار شاد و خندان بوده. همسایه مان جوایب حال او شده که القسام این آیه را برای او تلاوت کرده است «فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر». خدا را ستایش می‌کنم که شهادت را از او پذیرفته است. زیرا او با اشغالگران فرانسوی در سوریه و با انگلیسی‌ها در فلسطین جنگیده است. زنده بودن نام و جایگاه القسام نشانگر درستی راه اوست. نشانگر میزان عشق و علاقه مردم به این مجاهد فرزانه است.

اکنون همه مجاهدان مقاومت فلسطین به ویژه رزمندگان گردان‌های شهید عزالدین القسام، شاخه نظامی جنبش حماس به او افتخار می‌کنند. تنها افتخار من این است که از راه القسام پیروی کنم. تنها شایستگی من به عنوان نوه القسام این است که رهرو راه او باشم. به عنوان یک مادر و یک همسر چگونه می‌توانید میان خانه و بیمارستان و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی هماهنگی ایجاد کنید؟

من بر این باورم که فعالیت‌های اجتماعی زنان دریچه‌های بسیاری را برای مشارکت آنان در برنامه‌های فرهنگی و تبلیغی در برابر آنان باز می‌کند. زنان با مشارکت در برنامه‌های فرهنگی و تبلیغاتی اسلامی می‌توانند برای دیگران الگو و سرمشق باشند. البته مشارکت در اینگونه فعالیت‌ها نباید به وظایف او در خانه و تربیت فرزندان آسیب وارد کند. یکی از مهمترین وظایف زن در منزل تربیت فرزندان و رسیدگی به امور همسر است. امروزه زنان جوامع ثروتمند و مرفه رسیدگی به کار منزل و تربیت فرزندان را به پیشخدمت سپرده‌اند. زنان تحصیل کرده و فرهیخته همواره بیرون منزل هستند و تربیت فرزندان را به پیشخدمت واگذار کرده‌اند.

چگونه می‌توان زنان مبلغ و مربی متعهد به وجود آورد؟

گام اول را باید از درون منزل برداشت. لازم است دختران پیش از ورود به دانشگاه با اصول دین و آموزه‌های دینی آگاه شوند. زیرا آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها به مسائل دینی و مذهبی جوانان توجه ندارند. دیده شده که بسیاری از



ارتنیسی توسط صهیونیست‌ها ترور می‌شوند، بسیاری از رسانه‌های جهان عرب بی تفاوت هستند و به پخش برنامه‌های عادی یا مبتذل ادامه می‌دهند.

نظر تان درباره سریال تلویزیونی القسام چیست؟

تاکنون درباره زندگی و مبارزات شهید شیخ عزالدین القسام فقط این سریال تلویزیونی ۱۵ قسمتی ساخته شده است. زمانی که این سریال پخش شد من کودک بودم و هنگام تماشای صحنه‌های درخشان زندگی پدر بزرگ اشک از چشمانم جاری می‌شد. درباره حیات شیخ شهید امیدوارم یک فیلم سینمایی قوی مانند فیلم عمر المختار تولید شود. البته ساخت فیلم مستند و سریال تلویزیونی کار آسانی است و هزینه کمتری می‌خواهد. متأسفانه در جهان عرب تهیه کنندگانی وجود دارند که حاضرند برای ساخت فیلم‌های مبتذل و بی‌محتوا میلیون‌ها دلار پول خرج کنند.

از پدر بزرگ تان چه ویژگی‌هایی را به ارث برده‌اید؟

من دوست ندارم از خودم تعریف کنم. ولی این حقیقت را به شما بگویم که من به شهادت در راه خود عشق می‌ورزم. آنگونه که پدر بزرگ شهید القسام به شهادت عشق می‌ورزید. از خدای بزرگ مسئلت دارم شرایطی را فراهم کند تا در مسیر القسام گام بردارم و به آرزوی خود برسم. من در سفر حج به درگاه خداوند متعال دعا کردم که مرگ من شهادت در راه او باشد. سرنوشت همه انسان‌ها مرگ است. پس چه بهتر که این مرگ شهادت در راه خدا و در راه یک آرمان مقدس باشد. کسب رضای خدا بهترین آرزوی هر انسان است. در حال حاضر تنها کاری که از دستم ساخته است کمک به بیماران مستمند لبنانی و فلسطینی در بیمارستانی که در آن اشتغال دارم. این کار خود یک نوع همدردی با آوارگان فلسطینی است.

جریان‌اتمی وجود دارند که قضیه فلسطین را به کشمکش سیاسی تبدیل کرده‌اند. آینده فلسطین را چگونه می‌بینید؟

شکی نیست که فرزندان و نوادگان واقعی شهید، بستگان نسبی او نیستند. فرزندان القسام جوانان سلحشوری هستند که راه او را دنبال می‌کنند. آرمان فلسطین و یاد قیام القسام به رغم گذشت ده‌ها سال همچنان زنده است. انقلاب القسام با شهادت او پایان نیافته است. نهضتی که او پایه‌گذاری کرد توسط جوانان مقاومت ادامه دارد. در دوران حیات به او پست‌های اداری و دینی و پول کلان پیشنهاد کردند تا از مبارزه دست بردارد و با دشمن سازش کند. ولی او همه این پیشنهادات را رد کرد و به جهاد داد تا سرانجام در جنگ‌های یبعد به شهادت رسید.

یکی از همسایگان مان در شهر جبله نقل کرده که پدر

